



The Role of National Resource Mobilization in Managing Social Crises

Ali Jahanshahi

Associate Professor, Department of Strategic Defense Sciences, Faculty of National Defense, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

Amir Gomnam

Ph.D. Candidate in Strategic Defense Sciences, Supreme National Defense University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

Email: amyrgmnam4@gmail.com

Alireza Rahchamani

Ph.D. Candidate in Military Strategic Management, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

Babak Nabizadeh

Ph.D. in Military Strategic Management, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

Abstract

Under conditions of internal threats and the emergence of social crises, the mobilization of national resources varies across societies according to domestic and external conditions as well as the nature and characteristics of prevailing threats. Resource mobilization refers to the organized and coordinated deployment of both general and specialized national capacities to address crises effectively. By optimizing the utilization of available national resources, it can enhance deterrence, reduce societal vulnerability, and strengthen crisis management capabilities in responding to diverse threats. Accordingly, this study investigates the role of national resource mobilization in managing social crises with the aim of preventing their escalation and securitization. The primary objective is to explain how an integrated framework for mobilizing national resources can contribute to the effective management of social crises and mitigate their transformation into security challenges. This applied study adopts a qualitative descriptive-analytical research design. Data were collected through documentary research and field interviews. The study population consisted of ten subject-matter experts with relevant research experience, who were selected through purposive sampling. The findings indicate that an integrated, community-centered approach to national resource mobilization, emphasizing the synergy of all national capacities—particularly through strengthening social capital and establishing robust coordination networks—can substantially improve crisis management across the three principal phases of the crisis management cycle: preparedness and prevention, emergency response, and post-crisis recovery and reconstruction. Such an approach contributes to minimizing adverse impacts, accelerating response and recovery processes, preventing the escalation and securitization of social crises, and enhancing long-term societal resilience.

Keywords: Resource Mobilization; National Resource Mobilization; Social Crises; Crisis Management



نقش بسیج منابع ملی در بحران‌های اجتماعی

علی جهانشاهی

دانشیار گروه علوم دفاعی راهبردی دانشکده دفاع ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

امیر گمنام

دانشجوی دکتری تخصصی علوم دفاعی راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Email: amyrgmnam4@gmail.com

علیرضا راه‌چمنی

دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت راهبردی نظامی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

بابک نبی‌زاده

دکتری تخصصی مدیریت راهبردی نظامی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

چکیده

در شرایط تهدید داخلی و وقوع بحران‌های اجتماعی که در جوامع گوناگون یکسان نبوده، بسیج منابع ملی بسته به شرایط داخلی، خارجی و نیز با توجه به نوع و ویژگی تهدیدات پیشرو، متفاوت بوده و می‌تواند نقش‌های متفاوتی ایفا نماید. بسیج به معنای سازمان‌دهی و به‌کارگیری عمومی و تخصصی منابع است. بسیج باید بتواند با استفاده از منابع ملی موجود موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری و تسهیل مدیریت بحران در مقابله با تهدیدات گردد، بنابراین این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش است که نقش بسیج منابع ملی در مدیریت بحران‌های اجتماعی برای جلوگیری از گسترش و امنیتی شدن آن چگونه است؟ هدف اصلی این تحقیق تبیین نقش بسیج منابع در مدیریت بحران‌های اجتماعی برای جلوگیری از گسترش و امنیتی شدن آن است. تحقیق حاضر از نوع تحقیقات کاربردی و از نظر روش توصیفی-تحلیلی با رویکرد کیفی است. روش جمع‌آوری داده‌ها روش کتابخانه‌ای و میدانی است. جامعه آماری تحقیق، ۱۰ نفر از خبرگان دارای پژوهش مرتبط با موضوع تحقیق بوده که به‌صورت هدفمند انتخاب گردیدند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بسیج منابع به شکلی یکپارچه، اجتماع‌محور و هم‌افزایی تمامی منابع ملی، به‌ویژه با تقویت سرمایه اجتماعی و ایجاد شبکه‌های هماهنگی قوی، در سه فاز کلیدی مدیریت بحران (شامل آمادگی و پیشگیری پیش از بحران، واکنش سریع در حین بحران و بازسازی و بازیابی در فاز پس از بحران) می‌تواند موجب کاهش آسیب‌ها، افزایش سرعت واکنش، تسریع بازیابی و از گسترش و امنیتی شدن بحران‌های اجتماعی جلوگیری کرده و به تاب‌آوری پایدار جامعه کمک کند.

کلیدواژه‌ها: بسیج، بسیج منابع ملی، بحران، بحران‌های اجتماعی

مقدمه

در دنیای پرشتاب و پیچیده امروزی، جوامع بشری پیوسته با طیف وسیعی از بحران‌های اجتماعی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. این بحران‌ها که می‌توانند از منشأ طبیعی (مانند سیل، زلزله، خشک‌سالی، طوفان‌ها و همه‌گیری‌های بیماری‌زا نظیر کووید-۱۹) یا انسانی (همچون حوادث صنعتی، تروریسم، ناآرامی‌های مدنی و بحران‌های اقتصادی-اجتماعی گسترده) باشند، همگی پتانسیل ایجاد اخلال عمیق در نظم عمومی، تخریب زیرساخت‌ها و تحمیل آسیب‌های گسترده انسانی، اجتماعی و اقتصادی را دارند (Smith, 2019: 88). همچنین در عصر حاضر، جوامع بشری با چالش‌های بی‌سابقه‌ای در قالب بحران‌های اجتماعی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. این بحران‌ها، چه ریشه در پدیده‌های طبیعی چون سیل، زلزله، خشک‌سالی و همه‌گیری‌ها داشته باشند و چه ناشی از عوامل انسانی نظیر حوادث صنعتی، تروریسم یا ناآرامی‌های اجتماعی باشند، همگی ظرفیت ایجاد اختلالات گسترده در زیرساخت‌ها، اقتصاد و مهم‌تر از آن، بافتار اجتماعی و روانی جوامع را دارند. پیامدهای این رخدادها، از دست دادن جان و مال، آوارگی، آسیب‌های روانی بلندمدت و اخلال در کارکرد عادی زندگی، به‌وضوح نشان می‌دهد که صرفاً تکیه بر توانایی‌های بوروکراتیک و نهادهای دولتی، برای مدیریت جامع و مؤثر آن‌ها کافی نیست. پیچیدگی و وسعت پیامدهای این رخدادها، از دست رفتن جان و مال گرفته تا آوارگی جمعیت‌ها، آسیب‌های روانی بلندمدت و فروپاشی موقت خدمات حیاتی، به‌وضوح نشان می‌دهد که صرفاً تکیه بر توانایی‌های محدود نهادهای دولتی برای مدیریت جامع و مؤثر آن‌ها ناکافی است.

در مواجهه با این پیچیدگی‌ها و چالش‌ها، مفهوم بسیج منابع ملی به‌عنوان یک رویکرد استراتژیک و مکملی قدرتمند برای واکنش‌های دولتی، اهمیتی حیاتی پیدا می‌کند. بسیج منابع ملی فراتر از صرفاً جمع‌آوری کمک‌های اضطراری، به معنای سازمان‌دهی، هماهنگی و به‌کارگیری هوشمندانه و هدفمند تمامی ظرفیت‌های موجود در یک کشور است. این ظرفیت‌ها شامل طیف گسترده‌ای از منابع انسانی (نیروهای متخصص، داوطلبان عمومی، سازمان‌های مردم‌نهاد و جوامع محلی)، منابع مادی و لجستیکی (از تجهیزات و وسایل امدادی



گرفته تا زیرساخت‌های ارتباطی، اقلام حیاتی و پناهگاه‌ها) و منابع اطلاعاتی و دانش‌محور (مانند سیستم‌های هشدار سریع، بانک‌های اطلاعاتی جامع، دانش بومی و فناوری‌های نوین) می‌شود. مسئله اصلی اینجاست که علی‌رغم پتانسیل عظیم این منابع در سطح ملی عدم مدیریت صحیح این منابع، نه تنها می‌تواند منجر به هدر رفت پتانسیل‌های موجود و کاهش اثربخشی عملیات شود، بلکه ریسک تشدید فاجعه، طولانی‌تر شدن فرایند بازیابی و افزایش آسیب‌پذیری جامعه در برابر بحران‌های آتی را نیز در پی دارد. همچنین اگرچه تقویت سرمایه اجتماعی به عنوان یک رکن اصلی، نقشی بنیادین در پیشگیری از بروز بحران‌های اجتماعی ایفا می‌کند؛ اما باید توجه داشت که پدیده امنیتی شدن بحران عمدتاً در اثر مدیریت نادرست در حین بحران رخ می‌دهد. از این رو، بسیج منابع ملی به عنوان یک قابلیت راهبردی، نمی‌تواند خود را تنها به فاز پیشگیری محدود کند؛ بنابراین بسیج منابع ملی همچنان که در بند یکم سیاست‌های کلی پدافند غیرعامل نیز آمده است، باید بتواند با استفاده از مجموعه اقدامات غیرمسلحانه؛ موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری، تداوم فعالیت‌های ضروری، ارتقا پایداری ملی و تسهیل مدیریت بحران در مقابله با تهدیدات و اقدامات نظامی دشمن گردد (سیاست‌های کلی ابلاغی توسط مقام معظم رهبری در بخش پدافند غیرعامل).

براین اساس لازم است کلیه منابع مادی و معنوی، اعم از منابع داخلی و ظرفیت‌های خارجی، در یک بسیج همگانی به کارگیری شود؛ لیکن آنچه دارای اهمیت بالاتری است استفاده از منابع داخلی و منابع ملی است؛ چراکه در دسترس هستند. با عنایت به ظرفیت‌های بی‌شمار کشور، اگر بسیج منابع ملی به اتکای انگیزه‌های اعتقادی، دانش بومی و منابع داخلی باشد، موجب کاهش آسیب‌پذیری‌های داخلی و افزایش بازدارندگی شده و می‌تواند نقش چشم‌گیری در مدیریت بحران‌های اجتماعی آینده برای جلوگیری از گسترش و امنیتی شدن آن داشته باشد. به عبارتی عملکرد موفق بسیج منابع ملی در فاز واکنش، از تشدید بحران جلوگیری کرده و امکان بازسازی مؤثر را فراهم می‌آورد و بازسازی عادلانه و سریع، خود به عنوان بنیانی برای پیشگیری از بحران‌های آتی و تقویت سرمایه اجتماعی عمل می‌نماید.

حال با عنایت به موارد قیدشده ارزش و اهمیت انجام این تحقیق می‌تواند فواید و دستاوردهای مثبتی مانند افزایش تاب‌آوری ملی و کاهش آسیب‌پذیری، بهبود کارایی و اثربخشی واکنش در زمان بحران، تقویت سرمایه اجتماعی و هم‌بستگی ملی و توسعه دانش و آمادگی برای آینده را به‌همراه داشته باشد که مستقیماً به بهبود وضعیت جامعه در مواجهه با بحران‌ها کمک می‌کند و از طرفی عدم توجه به نتایج این پژوهش ممکن است موجب تشدید فاجعه و افزایش پیامدهای مخرب بحران، عدم آمادگی و آسیب‌پذیری فزاینده در برابر بحران‌های آتی، کاهش اعتماد عمومی و تضعیف سرمایه اجتماعی و هدر رفت منابع و ظرفیت‌های بالقوه شود.

بنابراین هدف از این پژوهش «تبیین نقش بسیج منابع ملی در مدیریت بحران‌های اجتماعی برای جلوگیری از گسترش و امنیتی شدن آن بوده که متناظر با این هدف، سؤال تحقیق طراحی شده است.»

۱. پیشینه پژوهش

جواد رفیعی راد و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «تأثیر بسیج ظرفیت‌ها و منابع ملی در جنگ‌های آینده»، به بررسی تأثیر بسیج امکانات و منابع ملی در جنگ‌های آینده پرداخته است. نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد که بسیج منابع ملی می‌تواند ظرفیتی بی‌نظیر را در اختیار فرماندهان قرار دهد تا با اتکا به آن بتوانند هم بازدارندگی ایجاد نمایند و هم در صورت بروز جنگ، سرنوشت نبرد را به نفع جبهه خودی تغییر دهند.

اکبر کنعانی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «نقش مرکز فرماندهی و کنترل در مدیریت بحران‌های اجتماعی» به بررسی تأثیر مرکز فرماندهی و کنترل نیروی انتظامی در مدیریت بحران‌های اجتماعی پرداخته است. نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد که بیشترین تأثیرگذاری مرکز فرماندهی و کنترل نیروی انتظامی در مدیریت بحران‌های اجتماعی به ترتیب مربوط به هماهنگی و هدایت عملیات، پردازش اطلاعات و تشخیص به‌موقع بحران و جمع‌آوری اطلاعات است، همچنین مهم‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار در این فرایند به ترتیب



اولویت شامل فراهم کردن موقعیت تصمیم‌گیری و آگاهی از وضعیت، پردازش اطلاعات، نمایش وضعیت نبرد و تشخیص به موقع بحران، پیشگیری از تداخل و تناقض بین فعالیت رده‌ها و وحدت فرماندهی در زمان مواجهه با بحران‌های اجتماعی است.

رضا محمدی نیا و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «نقش بسیج منابع ملی در جنگ‌های آینده» به بررسی ویژگی بسیج منابع ملی و دستیابی به نقش بسیج منابع ملی در جنگ‌های آینده پرداخته است. نتایج تحقیق وی نشان داد مهم‌ترین ویژگی‌ها از جنگ‌های آینده که پرداختن به موضوع بسیج منابع ملی را ضروری می‌کند عبارت‌اند از: تحول در جمع‌آوری، تبادل و پردازش اطلاعات، دانش و فناوری محور بودن، اهمیت روزافزون فرماندهی و کنترل در جنگ آینده و ائتلافی بودن و از سوی دیگر مهم‌ترین کارکردهای بسیج منابع ملی که تأثیری معنادار بر نتیجه جنگ‌های آینده خواهند داشت عبارت‌اند از: بازدارندگی، فراهم آوردن امکان پاسخ‌گویی متنوع از طریق ایجاد ظرفیت‌های لازم، بهره‌گیری بهتر و کارتر از منابع.

۲. مفهوم‌شناسی

بسیج: به فراگردی اطلاق شده است که طی آن، یک فرد، سازمان، گروه و جریانی را قادر می‌سازد کنترل خویش را بر منابع لازم برای کنش جمعی (اعم از انسانی و مادی) توسعه دهد (محمدی نیا، ۱۳۹۶).

بسیج منابع ملی: تدارک، آماده‌سازی و تخصیص بهینه کلیه منابع ملی، امکانات و ظرفیت‌های مادی و معنوی بالقوه و بالفعل کشور برای مقابله مناسب با هرگونه تهدید، بحران و تهاجم احتمالی دشمنان (نوذری، ۱۴۰۰: ۴).

بحران: شرایطی است که در اثر حوادث، رخدادها و عملکردهای طبیعی و انسانی به‌طور ناگهانی یا غیرقابل کنترل به وجود می‌آید و موجب ایجاد مشقت و سختی برای یک مجموعه یا جامعه انسانی می‌گردد و برطرف کردن آن نیاز به انجام اقدامات اضطراری فوری و فوق‌العاده دارد (نوذری، ۱۴۰۰: ۱۸).

بحران‌های اجتماعی: بحران اجتماعی معمولاً به وضعیتی اطلاق می‌شود که نظم موجود به‌هم‌خورده، نیازهای اساسی جامعه مختل شده و نهادهای سنتی پاسخ‌گویی کارایی خود را از دست داده‌اند. این وضعیت می‌تواند ناشی از عوامل طبیعی، انسانی یا ترکیبی از هر دو باشد (احمدی، ۱۳۸۹: ۲۳).

۳. مبانی نظری پژوهش

پیرامون پژوهش پیش‌رو، نظریه‌های کلیدی که مرتبط با موضوع فوق مطرح شده به شرح زیر بیان و سپس مورد بررسی و بر مبنای آن‌ها و نظر اساتید و خبرگان و به‌صورت ترکیبی چهارچوب نظری تدوین گردید.

۳-۱. نظریه بسیج منابع (جی.دی مک کارتی)^۱

نظریه بسیج منابع که عمدتاً در مطالعه جنبش‌های اجتماعی مطرح می‌شود، بر این باور است که موفقیت یک جنبش (یک واکنش مؤثر به بحران) به توانایی آن در بسیج و سازمان‌دهی منابع مختلف بستگی دارد. در بستر بحران‌های اجتماعی، این نظریه بیان می‌کند که وقوع یک فاجعه به‌تنهایی برای یک واکنش مؤثر کافی نیست؛ بلکه باید منابع لازم برای پاسخ‌گویی به آن بسیج شوند. این منابع شامل موارد زیر می‌شود:

- ❖ منابع مالی: کمک‌های دولتی، سازمان‌های غیردولتی و کمک‌های مردمی؛
- ❖ منابع انسانی: داوطلبان، متخصصین، نیروهای امدادی و حتی جمعیت‌های آسیب‌دیده؛
- ❖ منابع مادی-لجستیکی: تجهیزات، وسایل نقلیه، پناهگاه‌ها، اقلام امدادی و ...
- ❖ منابع سازمانی: شبکه‌های موجود، ساختارهای فرماندهی و کنترل؛
- ❖ منابع اطلاعاتی: دانش، تجربه و دسترسی به اطلاعات دقیق در زمان بحران McCarthy, (1973).

1. McCarthy, J. D



۳-۲. نظریه سرمایه اجتماعی (جیمز کلمن)^۱

نظریه سرمایه اجتماعی بر این ایده متمرکز است که شبکه‌های ارتباطی، هنجارهای متقابل (مانند اعتماد و همکاری) و ارزش‌های مشترک در یک جامعه، می‌توانند به عنوان یک «سرمایه» ارزشمند عمل کنند. این سرمایه، فرصت‌ها و مزایایی را برای افراد و گروه‌ها فراهم می‌آورد که از طریق روابط اجتماعی حاصل می‌شوند. در بستر مدیریت بحران، سرمایه اجتماعی به ظرفیت یک جامعه برای همکاری، هماهنگی و بسیج خودجوش منابع به دلیل وجود اعتماد و شبکه‌های قوی اشاره دارد.

سرمایه اجتماعی معمولاً به سه نوع تقسیم می‌شود که هر سه در بسیج منابع ملی در بحران نقش دارند:

- ❖ سرمایه اجتماعی پیوندی: روابط قوی و نزدیک بین افراد با ویژگی‌های مشابه (مانند خانواده‌ها، همسایگان، دوستان صمیمی) این نوع سرمایه در بسیج اولیه و کمک‌رسانی فوری در سطح محلی بسیار حیاتی است؛
- ❖ سرمایه اجتماعی پلی زننده: روابط بین گروه‌های مختلف یا افراد ناهمگون (مانند گروه‌های قومی متفاوت، سازمان‌های غیردولتی با دولت، جوامع مختلف) این سرمایه برای دسترسی به منابع خارج از شبکه اولیه و ایجاد هماهنگی‌های گسترده‌تر؛
- ❖ سرمایه اجتماعی پیونددهنده: روابط عمودی بین افراد و گروه‌ها با نهادهای دارای قدرت و اختیار (مانند ارتباط جامعه با مقامات دولتی، پلیس، نیروهای مسلح) این نوع سرمایه برای دسترسی به منابع کلان، حمایت‌های قانونی و هماهنگی‌های سطح بالا ضروری است (Coleman, 1988).

۳-۳. نظریه شبکه‌ها در مدیریت اضطراری (کاپوچو)^۲

نظریه شبکه‌ها در زمینه مدیریت اضطراری بر این ایده متمرکز است که ارتباطات، تعاملات و روابط بین بازیگران مختلف (اعم از افراد، سازمان‌ها، نهادهای دولتی، خصوصی و

1. James Coleman
2. Kapucu

مردم‌نهاد) در یک سامانه، نقش حیاتی در اثربخشی پاسخ به بحران دارد. به‌جای تمرکز بر ساختارهای سلسله‌مراتبی صرف، این نظریه بر اهمیت شبکه‌های افقی و عمودی تأکید می‌کند که امکان اشتراک‌گذاری اطلاعات، منابع و دانش را فراهم می‌آورد. در بحران‌ها، موفقیت عملیات به توانایی عوامل مختلف برای همکاری و هماهنگی در یک شبکه بستگی دارد. ویژگی‌های این شبکه‌ها عبارت‌اند از:

❖ اتصال‌پذیری: میزان و نوع پیوندها بین بازیگران مختلف. هرچه شبکه‌ها متراکم‌تر و دارای پیوندهای بیشتری باشند، جریان اطلاعات و منابع سریع‌تر و کارآمدتر خواهد بود؛

❖ مرکزیت: شناسایی بازیگران کلیدی در شبکه که بیشترین ارتباطات را دارند و می‌توانند به‌عنوان نقاط کانونی برای هماهنگی عمل کنند؛

❖ هم‌افزایی: این باور که همکاری بین اعضای شبکه می‌تواند نتایجی فراتر از مجموع فعالیت‌های فردی آن‌ها به بار آورد (Kapucu, 2006).

۳-۴. بسیج ملی

برخی از ویژگی‌های بسیج ملی عبارت‌اند از:

۱. شکل‌گیری در شرایط ناکارآمدی چهارچوب‌ها و نهادهای رسمی و کلاسیک؛
۲. برخورداری از اهداف و آرمان‌های مشترک براساس تفکر و ایدئولوژی؛
۳. برخورداری از الگو، سازمان و برنامه‌ریزی؛
۴. ترکیبی از رضایت و اجبار (در صورت نپیوستن به جمع توسط جامعه ممکن است طرد شود)؛
۵. فراگیر بودن در حوزه‌های جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی و ...
۶. وجود رهبری موردقبول همگان (نظامی پور، ۱۳۹۶: ۹).



۳-۴-۱. هدف از تشکیل بسیج ملی

لازمه ایجاد، قوام و استحکام و در یک واژه حیات یک نظام مردمی، به حضور توده‌های مردم و پشتیبانی آنان از حکومت بستگی دارد. از آنجاکه نظام اسلامی ما با سرنوشت مردم عجین گردیده و ملت قهرمان ما با پوست و گوشت خود از آن حمایت می‌ورزند، بسیار شایسته است که این حضور و پشتیبانی خود را از انقلاب و دستاوردهای آن، در تمامی عرصه‌های دفاع، سازندگی و... در قالب سازمانی نظام‌یافته و منسجم، به منصف ظهور و بروز درآورند.

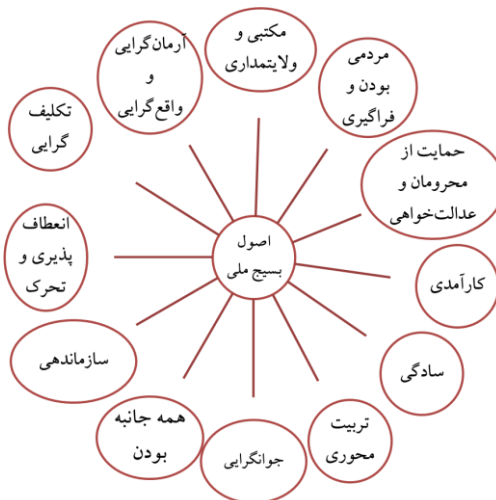
انقلاب اسلامی ایران با الهام گرفتن از اسلام ناب محمدی (ص) از نخستین روزهای پس از پیروزی انقلاب، با توطئه‌های گسترده و سازمان‌یافته دشمنان اسلام روبه‌رو گردید. عظمت اهداف انقلاب و گستردگی توطئه‌های دشمنان، ایجاب می‌کرد که برای حفظ و صیانت از انقلاب اسلامی و ارزش‌ها و اهداف آن، در برابر شیخون ابرقدرت‌ها به دفاع برخیزد. بدین منظور، پس از پیروزی انقلاب اسلامی به فرمان امام خمینی (ره) از درون اقشار میلیونی مردم، حرکتی خودجوش، در جهت حفظ و حراست از دستاوردهای انقلاب پدید آمد. پس به‌طور کلی می‌توان گفت هدف از تشکیل بسیج ملی عبارت است از ایجاد توانایی‌های لازم در کلیه افراد معتقد به قانون اساسی و اهداف انقلاب اسلامی به‌منظور دفاع از کشور، نظام جمهوری اسلامی و نیز کمک به مردم به هنگام بروز بلایا و حوادث غیرمترقبه با هماهنگی مراجع ذی‌ربط (پورشاسب، ۱۴۰۰: ۶).

۳-۴-۲. اهمیت و ضرورت تشکیل بسیج ملی

هر کشوری که منابع و دارایی‌های ارزشمندی داشته باشد که دشمنان چشم طمع به آن داشته باشند و یا حرف‌هایی داشته باشد که موجب بیداری ملت‌ها علیه ظالمان و ستمگران شود، یقیناً دشمنانی خواهد داشت که درصدد هستند تا در هر فرصت ممکن چنین کشوری را از پای درآورند. انقلاب اسلامی ایران که به رهبری امام خمینی (ره) ابتدا رژیم ظالم شاهنشاهی را در ایران از بین برد و دست طمع مستکبرین را از منابع عظیم ایران اسلامی کوتاه کرد از ابتدا تاکنون همچون خاری در چشم دشمنان ایران باقی مانده است و طبعاً تا زمانی که این انقلاب

متکی به اسلام و حضور فعال مردم در صحنه باشد، هیچ آسیبی نخواهد دید؛ اما این امر به منزله عدم طمع دشمنان نخواهد بود و آنان هر وقت که کوچک‌ترین ضعفی را در آمادگی و حمایت از نظام اسلامی احساس نمایند بر آن خواهند بود تا ضربه‌ای به جمهوری اسلامی وارد کنند، بنابراین تا زمانی که دشمنی دشمنان وجود دارد بایستی آحاد مردم از طریق آموزش و تمرین، آمادگی‌های دفاعی لازم را کسب نموده و در قالب یک سازمان وسیع مردمی (به نام بسیج ملی) سازمان‌دهی شوند تا در مواقع لزوم همچون صاعقه بر سر دشمنان خارجی و عوامل داخلی آن‌ها فرود آیند تا نه تنها دشمنان امکان تجاوز به ایران اسلامی را نداشته باشند، بلکه فکر آن را هم نکنند (همان: ۸).

۳-۴-۳. اصول بسیج ملی



شکل ۱: اصول بسیج ملی

۳-۴-۴. فرایند بسیج منابع

فرایند بسیج منابع می‌بایست دارای شرایط زیر باشد:

❖ کلیه مراحل و ساختار سازمانی را برای واکنش مناسب در برابر بحران‌ها را توصیف کند و ظرفیت‌ها و توانایی‌ها را در نظر بگیرد.



- ❖ فرایندی اثربخش در استفاده حداکثری از موقعیت باشد.
- ❖ با اهداف راهبردی سازمان هم‌خوانی داشته باشد یعنی متناسب با چشم‌انداز، مأموریت و اهداف سازمان باشد (نظامی پور، ۱۳۹۶: ۱۴).

۳-۴-۵. سطوح بسیج منابع

- سطح اول، سطح بسیج منابع محلی: برای مهار و کنترل بحران در بخشی از یک استان یا در سطح یک استان را می‌توان برای این سطح متصور شد.
- سطح دوم، سطح بسیج منابع منطقه‌ای: این سطح از بسیج منابع در چند استان می‌بایست طرح‌ریزی گردد و مهار و کنترل بحران در بخشی از کشور مدنظر است. هماهنگی دستگاه‌ها و سازمان‌ها برای مهار بحران الزامی است و در این سطح می‌بایست به‌طور کامل برنامه‌ریزی و اجرا گردد.
- سطح سوم، سطح بسیج منابع در سطح ملی-جهانی: اگر چندین حادثه به‌طور هم‌زمان به وقوع بپیوندد و یا یک حادثه ابعاد ملی پیدا کند، برای مهار بحران در سطح ملی می‌بایست بسیج منابع صورت گیرد (نوذری، ۱۴۰۰: ۲۲).

۳-۵. بحران‌های اجتماعی

- برخی از ویژگی‌های بحران‌های اجتماعی عبارت‌اند از:
۱. پیچیدگی و ابهام: اطلاعات ناقص، شایعات و عدم قطعیت در شرایط بحرانی، تصمیم‌گیری را دشوار می‌کند؛
 ۲. فوریت و فشار زمانی: نیاز به واکنش سریع برای کاهش آسیب‌ها وجود دارد؛
 ۳. غیرمنتظره بودن و عدم قابلیت پیش‌بینی دقیق: اگرچه برخی بحران‌ها قابل پیش‌بینی هستند (مانند سیل‌های فصلی)؛ اما شدت و زمان دقیق وقوع اغلب مشخص نیست؛
 ۴. چندبُعدی بودن (ابعاد انسانی، اقتصادی، سیاسی، روانی و فرهنگی): بحران‌ها تنها یک بُعد فیزیکی ندارند، بلکه پیامدهای عمیق اجتماعی و روانی به‌همراه دارند؛

۵. تغییر هنجارها و ارزش‌ها: بحران‌های طولانی مدت می‌توانند منجر به تغییرات پایدار در ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی شوند؛
۶. تهدید برای نظم و امنیت: بحران‌های اجتماعی در صورت عدم مدیریت صحیح، می‌توانند به بی‌نظمی، هرج‌ومرج و در نهایت امنیتی شدن فضا منجر شوند (رفیعی، ۱۳۹۴: ۲۸).

۳-۵-۱. نوع بحران‌های اجتماعی

بحران‌های اجتماعی می‌توانند در زمینه‌های بسیار متفاوت اقتصادی، فرهنگی، طبیعی، سیاسی و ... بروز کنند. هریک از این بحران‌ها الگوی خاصی در فرایند گسترش و به بیان روشن‌تر امنیتی شدن دارند که از دیگری متمایز می‌شوند.

به‌طور مثال فرایند گسترش یک بحران اجتماعی ناشی از مشکلات اقتصادی از حیث سرعت و مراحل، با آنچه در یک بحران طبیعی نظیر زلزله رخ می‌دهد کاملاً متفاوت است. در مثال دیگر می‌توان گفت: برخی از بحران‌های سیاسی نظیر بحران قومی، بحران هویت و بحران مشروعیت به‌دلیل داشتن ماهیتی سیال گونه، رابطه هم‌جواری و سابقه تاریخی به‌سرعت از سوی بازیگران مختلف گسترش یافته و برچسب امنیتی می‌خورند و تغییر ماهیت می‌دهند. در حقیقت نوع بحران می‌تواند سرعت و مسیر گسترش آن‌ها را رقم‌زده و فضا را برای تهدید علیه ارزش‌های پایه فراهم نمایند. همچنین بحران‌های اجتماعی در جامعه موجب نابسامانی عمومی، عدم تعادل فراگیر و گسست نظم موجود و پیدایی دگرگونی‌های اجتماعی می‌شود (باغبانی، ۱۳۹۹).

۳-۵-۲. ویژگی‌های تبدیل یک بحران اجتماعی و سیاسی به یک بحران امنیتی

۱. سازمان‌ها و نهادهای امنیتی بحران را احساس کرده و بر آن برچسب امنیتی بزنند؛
۲. تخصص و بروز رفتارهای خشونت‌آمیز تشدید می‌گردد؛
۳. روابط بازیگران مؤثر در بحران تغییر کیفی پیدا می‌کند؛



۴. گروه‌های مشخصی از جامعه و رسانه‌ها آن را بحران امنیتی بدانند؛
۵. سازمان‌ها و نهادهای امنیتی انتظامی به‌عنوان یک بازیگر مؤثر در آن ظاهر شوند؛
۶. موجب افزایش ترس و ناامنی در بین بازیگران و جامعه گردند؛
۷. آینده به‌شدت غیرقابل‌پیش‌بینی شده و نظام کنترلی رو به ضعف گذارد؛
۸. انسجام اجتماعی تضعیف و جامعه به سمت قطبی شدن پیش برود؛
۹. اعتماد در بین بازیگران به‌شدت کاهش یافته و در تعاملات خود بدترین فرض‌ها را در نظر می‌گیرند؛
۱۰. در زندگی عادی و روزمره اخلال چشم‌گیری مشاهده شود؛
۱۱. در مدیریت بحران، توسل به شیوه‌های خارج از عرف معمول سیاسی مطرح شود (فینی زاده بیدگلی، ۱۳۹۵).

۳-۵-۳. بازیگران مؤثر در بحران‌های اجتماعی

هر نظام یا نظام اجتماعی از مجموعه بازیگرانی تشکیل شده است که به‌طور منظم و از روی قاعده مطابق با ساختارهایی که توسط مجموعه‌ای از هنجارها، قواعد، قوانین یا توزیع توانمندی و ظرفیت‌ها حفظ و حمایت می‌شوند، به تعامل با یکدیگر می‌پردازند. بازیگران مؤثر در بحران‌های مختلف یکسان نیستند و براساس نوع حادثه، ماهیت بحران، عامل جغرافیا، نوع و شدت تهدیدات تعیین می‌گردند. به‌طور مثال بحران اجتماعی که جنبه اقتصادی آن از برجستگی بیشتری برخوردار است بازیگرانی متفاوت از بحران‌هایی با ماهیت سیاسی خواهد داشت که در این راستا طبقه‌بندی بازیگران مؤثر در بحران‌ها به شرح زیر است: دولت، معترضان، قربانیان، میانجی‌گران و حامیان (رفیعی، ۱۳۹۴: ۳۲).

۳-۶. بسیج منابع ملی و سرمایه اجتماعی در مدیریت بحران

❖ نیروی مقاومت بسیج و جمعیت هلال‌احمر به‌عنوان دو نهاد کلیدی در بسیج منابع انسانی همواره نقش مهمی ایفا می‌کنند. در این راستا می‌توان به توانمندی‌های بسیج

در فاز واکنش سریع (امداد و نجات، برپایی اردوگاه‌های اضطراری) و فاز بازسازی (آواربرداری، کمک به ساخت‌وساز) در حوادثی مانند زلزله کرمانشاه (۱۳۹۶) و سیل‌های گسترده (۱۳۹۸) تأکید کرد. بسیج مردمی به دلیل حضور گسترده و ارتباطات عمیق با جوامع محلی، قادر به ارائه پاسخ‌های سریع و مؤثر در لحظات اولیه بحران است. همچنین، نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در بسیج داوطلبان و ارائه خدمات تخصصی، اهمیت مشارکت جامعه مدنی را به عنوان یک منبع ملی حیاتی در کاهش بار مسئولیت دولت و افزایش اثربخشی عملیات برجسته می‌سازند؛

❖ سازمان پدافند غیرعامل کشور، با انتشار اسناد راهبردی و برگزاری سمینارها و کنفرانس‌ها از سال ۱۳۹۵ به بعد، بر لزوم بسیج تمام ظرفیت‌های کشور در راستای افزایش تاب‌آوری ملی و کاهش آسیب‌پذیری تأکید کرده است. این سازمان در رویکردهای نوین خود، به مفهوم «پدافند غیرعامل مردم‌محور» اهمیت ویژه‌ای می‌دهد. این رویکرد به معنای فعال‌سازی و سازمان‌دهی توانمندی‌های مردمی در کنار ظرفیت‌های دولتی و نظامی برای مقابله با تهدیدات و بحران‌ها است. این شامل بسیج منابع لجستیکی، تأمین زیرساخت‌های حیاتی و آموزش عمومی برای آمادگی در برابر حوادث می‌شود؛

❖ تأثیر مثبت سرمایه اجتماعی (شامل اعتماد و مشارکت) بر تاب‌آوری جامعه در مواجهه با بلایای طبیعی تأکید می‌کند. هنگامی که سرمایه اجتماعی در جامعه بالا باشد، اعتماد متقابل بین مردم و نهادهای مسئول افزایش می‌یابد و این امر به خودسازمان‌دهی جامعه در شرایط بحرانی کمک می‌کند. این خودسازمان‌دهی از پراکندگی نیروها و افزایش بی‌نظمی جلوگیری می‌کند که خود یک عامل مهم در ممانعت از گسترش بحران است. همچنین تقویت پیوندهای اجتماعی و حس مسئولیت‌پذیری مشترک، از تبدیل نارضایتی‌های ناشی از بحران به ناآرامی‌های امنیتی جلوگیری کرده و نیاز به رویکردهای صرفاً امنیتی را کاهش می‌دهد. این امر،



نشان‌دهنده اهمیت بسیج منابع «غیرمادی» نظیر اعتماد و هم‌بستگی در کاهش پتانسیل امنیتی شدن بحران است؛

❖ در کنترل بحران بر لزوم ایجاد یک سامانه فرماندهی و کنترل یکپارچه و شبکه‌های پویا بین تمامی بازیگران (دولتی، نظامی، مدنی و مردمی) تأکید شده است. این هماهنگی به واکنش سریع‌تر و منسجم‌تر منجر می‌شود که عامل اصلی در مهار بحران و جلوگیری از گسترش آن است. برای مثال، تلاش‌هایی مانند تدوین کتاب شبکه راه‌ها و برنامه‌ریزی حمل و نقل اضطراری شهر تهران توسط سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران نشان‌دهنده برنامه‌ریزی برای ایجاد شبکه‌های لجستیکی هماهنگ جهت جلوگیری از گسترش پیامدهای بحران (مانند انسداد معابر و اختلال در امداد رسانی) است. بسیج منابع اطلاعاتی و ایجاد شبکه‌های اطلاع‌رسانی دقیق و به‌موقع، از انتشار شایعات و اطلاعات غلط جلوگیری کرده و به حفظ آرامش عمومی کمک می‌کند که این خود یک عامل بازدارنده در گسترش بحران و امنیتی شدن فضای جامعه است (نوذری، ۱۴۰۰: ۱۵).

۳-۶-۱. نقش بسیج منابع ملی در فازهای مختلف بحران

۱. پیش از بحران (آمادگی و پیشگیری)؛
۲. حین بحران (واکنش سریع)؛
۳. پس از بحران (بازسازی و بازیابی).

۳-۶-۲. مهم‌ترین کارکردهای بسیج منابع ملی و تأثیر آن بر بحران‌های اجتماعی

بسیج منابع ملی در هر سه فاز اصلی مدیریت بحران (پیشگیری، واکنش و بازسازی) کارکردهای حیاتی دارد:

الف. کارکردها در فاز پیشگیری و آمادگی

- ❖ آموزش و آگاه‌سازی عمومی: بسیج منابع انسانی برای آموزش جامعه در مورد مخاطرات و راه‌های مقابله (آموزش‌های هلال‌احمر و بسیج)؛
- ❖ ذخیره‌سازی و تدارکات: سازمان‌دهی انبارها و مراکز لجستیک برای ذخیره اقلام ضروری؛
- ❖ تدوین طرح‌های جامع: مشارکت نهادها و بخش‌های مختلف در برنامه‌ریزی برای مقابله با بحران.

ب. کارکردها در فاز واکنش سریع و امدادرسانی

- ❖ امداد و نجات: بسیج نیروهای متخصص و داوطلب برای عملیات جست‌وجو، نجات و کمک‌رسانی اولیه؛
- ❖ تأمین نیازهای اولیه: توزیع آب، غذا، دارو و فراهم آوردن سرپناه اضطراری؛
- ❖ حفظ نظم و امنیت: جلوگیری از هرج‌ومرج و سوءاستفاده‌ها در شرایط بحرانی (اینجا نقش بسیج منابع در جلوگیری از امنیتی شدن برجسته می‌شود؛ یعنی مدیریت بحران به گونه‌ای که نیاز به دخالت امنیتی شدید را کاهش دهد)؛
- ❖ مدیریت اطلاعات و اطلاع‌رسانی: جمع‌آوری، تحلیل و انتشار سریع و دقیق اطلاعات برای کاهش شایعات و هدایت عملیات.

ج. کارکردها در فاز بازسازی و بازیابی

- ❖ بازسازی زیرساخت‌ها: بسیج مهندسان، کارگران و منابع مالی برای بازسازی مناطق آسیب‌دیده؛
- ❖ حمایت‌های روانی و اجتماعی: ارائه خدمات مشاوره و حمایت‌های لازم برای بازگرداندن سلامت روانی جامعه؛
- ❖ بازگشت زندگی عادی: کمک به مشاغل کوچک، بازسازی مدارس و تسهیل بازگشت مردم به خانه‌هایشان.



۳-۶-۳. نقش بسیج در کنترل گسترش بحران

- ❖ مدیریت سریع و مؤثر: واکنش سریع و سازمان‌یافته، جلوی سرایت بحران از یک منطقه به مناطق دیگر یا از یک بُعد به ابعاد دیگر را می‌گیرد؛
- ❖ کاهش نارضایتی‌های اجتماعی: تأمین نیازهای اولیه مردم و رسیدگی به آسیب‌دیدگان، از شکل‌گیری نارضایتی‌های گسترده که می‌تواند به اعتراضات و بی‌نظمی منجر شود، جلوگیری می‌کند؛
- ❖ شفافیت و اعتماد: اطلاع‌رسانی صحیح و ایجاد اعتماد عمومی، مانع از انتشار شایعات و دامن زدن به بی‌اعتمادی می‌شود که خود می‌تواند بحران را تشدید کند (حسینی، ۱۳۹۷).

۳-۶-۴. نقش بسیج در جلوگیری از امنیتی شدن بحران

۱. مشارکت مردمی و خود مدیریتی: زمانی که مردم فعالانه در مدیریت بحران مشارکت می‌کنند و از توانمندی‌های خود استفاده می‌کنند، بار از دوش نیروهای امنیتی برداشته‌شده و نیاز به حضور گسترده آن‌ها کاهش می‌یابد؛
۲. تقویت سرمایه اجتماعی: همان‌طور که در بخش نظریه‌ها اشاره شد، سرمایه اجتماعی قوی (اعتماد، همکاری) به خودسازمان‌دهی جامعه کمک کرده و از تبدیل بحران اجتماعی به یک بحران امنیتی جلوگیری می‌کند؛
۳. مدیریت غیرامنیتی بحران: بسیج منابع با تمرکز بر ابعاد اجتماعی، بهداشتی و لجستیکی بحران، راه‌حلی غیرامنیتی برای مقابله ارائه می‌دهد و از نظامی شدن فضای بحران جلوگیری می‌کند. این رویکرد به معنای پرهیز از نگاه صرفاً امنیتی به پدیده‌های اجتماعی و یافتن راه‌حل‌های جامعه‌محور است.

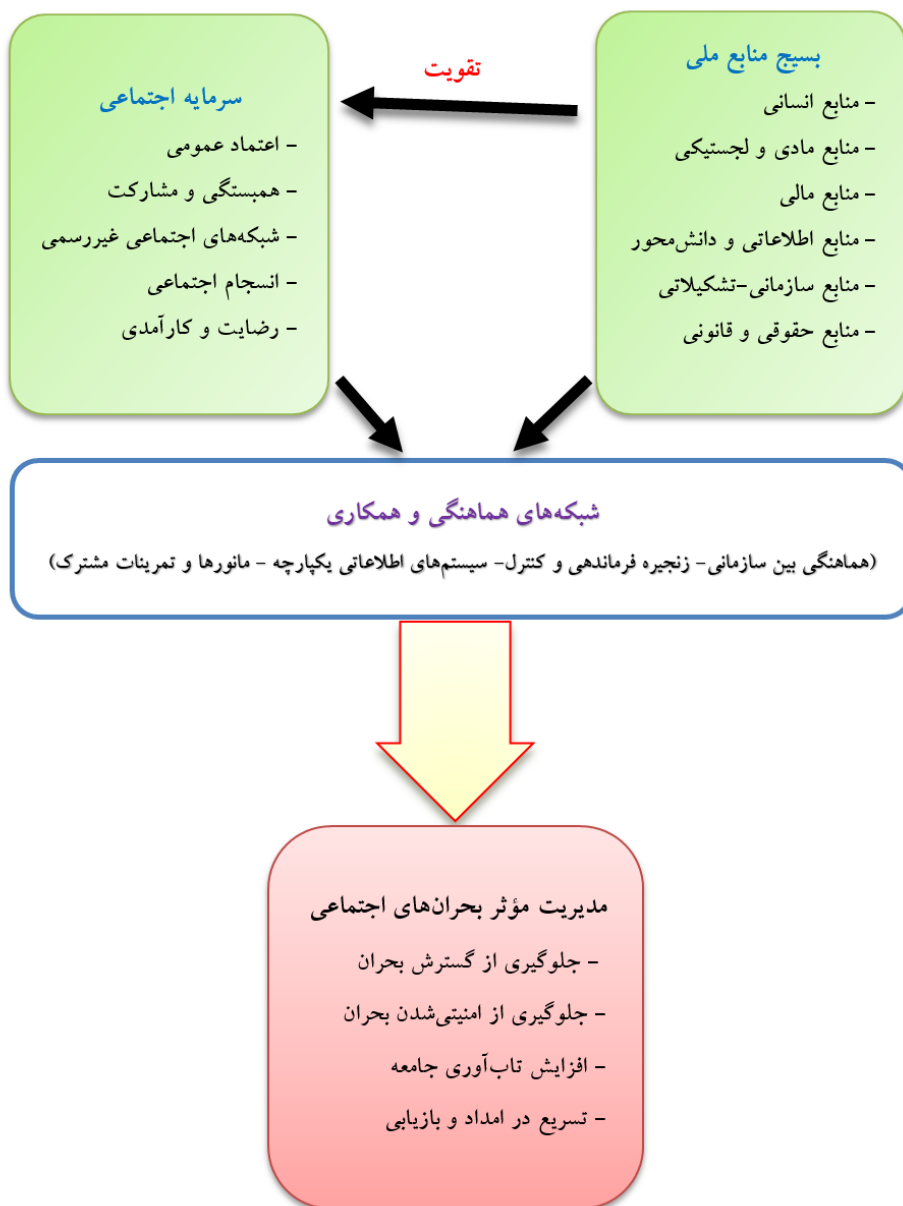
۳-۷. جمع‌بندی مصاحبه با خبرگان

در این مرحله نسبت به مصاحبه با خبرگان اقدام شد که با توجه به پاسخ‌های دریافتی، جمع‌بندی نظرات آن‌ها پیرامون سؤالات مرتبط با پژوهش فوق به شرح زیر است:

مهم‌ترین منابع ملی بسیج شده در یک بحران اجتماعی	سرمایه‌های اجتماعی مؤثر در بحران‌های اجتماعی	نقش بسیج منابع ملی در بحران‌های اجتماعی
- منابع انسانی: نیروهای داوطلب و سازمان‌یافته‌ای مانند بسیج مستضعفین، هلال احمر، شوراها و محلی و گروه‌های جهادی. - منابع سازمانی و شبکه‌ای: مساجد، حسینیه‌ها، پایگاه‌های مقاومت محله. - منابع فرهنگی-رسانه‌ای: رسانه‌های محلی، فضای مجازی بومی. - منابع لجستیکی و خدماتی: آشپزخانه‌های مردمی، سیستم‌های توزیع محلی و مراکز امدادی	- اعتماد شامل: اعتماد بین شهروندان، اعتماد شهروندان به نهادهای مردمی و محلی و اعتماد به نهادهای حاکمیتی - شبکه‌های اجتماعی: در بحران، هرچه این شبکه‌ها متراکم‌تر و فعال‌تر باشند، تاب‌آوری جامعه بالاتر می‌رود. - هنجارهای همیاری و معامله متقابل: من امروز به تو کمک می‌کنم، چون می‌دانم فردا تو به من کمک خواهی کرد. - مشارکت مدنی و اجتماعی: میزان مشارکت فعال مردم در امور جامعه - انسجام اجتماعی: انسجام اجتماعی بالا، از تجزیه بحران به بحران‌های کوچک‌تر قومی و محلی جلوگیری می‌کند.	- پیشگیری از تشدید بحران با ایجاد حائل اجتماعی و اعتماد بین مردم و نهادهای حاکمیتی - جلوگیری از امنیتی شدن بحران با تغییر روایت و تبدیل یک تهدید امنیتی به یک مسئله مدیریتی. اجتماعی - تقویت تاب‌آوری اجتماعی با سازمان‌دهی مردم برای مشارکت در مدیریت بحران و تقویت حس تعلق جمعی و خوداتکایی - مهار ابعاد بحران از طریق شبکه‌های مردمی و شبکه‌های سازمان‌یافته محلی

۳-۸. چهارچوب مفهومی پژوهش

حال با توجه به چهارچوب مفهومی، بسیج منابع ملی برای آنکه بتواند به‌طور مؤثری در خنثی‌سازی بحران‌های اجتماعی و جلوگیری از گسترش و امنیتی شدن آن‌ها عمل کند، نیازمند تبعیت از یک فرایند عملیاتی نظام‌مند و پویا است. این فرایند در پنج مرحله به‌هم‌پیوسته و در یک چرخه مداوم به شرح زیر است.



شکل ۲: چهارچوب مفهومی پژوهش

❖ مرحله فعال‌سازی و اعلام بسیج

تشکیل ستاد فرماندهی یکپارچه با حضور نمایندگان تام‌الاختیار تمام نهادهای ذی‌ربط (بسیج، نیروی انتظامی، وزارت کشور، سازمان مدیریت بحران و ...) بلافاصله پس از شناسایی و تأیید یک بحران اجتماعی توسط شورای امنیت کشور و با دستور مستقیم بالاترین مقام اجرایی کشور و اعلام صدور دستور بسیج ملی از طریق تمامی رسانه‌های رسمی و ملی.

❖ مرحله ارزیابی و شناسایی سریع

ارزیابی فوری ابعاد بحران (کانون، شدت، گروه‌های درگیر) و شناسایی دقیق منابع ملی در دسترس شامل منابع انسانی (نیروهای داوطلب، متخصصان، معتمدین محلی)، منابع مادی (انبارهای استانی، ماشین‌آلات) و منابع اطلاعاتی (داده‌های میدانی، پایش فضای مجازی) و تهیه سند ارزیابی اولیه بحران.

❖ مرحله سازمان‌دهی و تخصیص هدفمند

ایجاد ساختار فرماندهی یکپارچه با تمامی منابع شناسایی‌شده تحت فرماندهی یک ستاد عملیات مشترک و تقسیم کار منابع براساس تخصص و ماهیت بحران به شرح زیر:

- گروه امداد و ارتباطات مردمی (متشکل از بسیج و معتمدین محل برای گفت‌وگو و آرام‌سازی فضای روانی)؛
- گروه تأمین امنیت و نظم (متشکل از نیروی انتظامی و بسیج در نقش پشتیبان)؛
- گروه پشتیبانی لجستیک (مسئولیت حمل‌ونقل و توزیع منابع)؛
- گروه عملیات روانی و رسانه‌ای (مسئولیت اطلاع‌رسانی شفاف و مقابله با شایعات)؛
- تیم نظارت و ارزیابی (مسئولیت پایش مستمر عملیات و ارائه بازخورد به ستاد).

❖ مرحله اجرا و مانور عملیاتی

واکنش سریع و هماهنگ گروه‌های عملیاتی براساس مأموریت محوله، به‌صورت هم‌زمان و هماهنگ در کانون بحران با این اصل که نیروهای مردمی و اجتماعی در خط مقدم باشند تا بحران، رنگ و بوی امنیتی به خود نگیرد.



❖ مرحله ادغام و بازگشت به حالت عادی

گذار تدریجی با تحت کنترل درآمدن بحران، مسئولیت‌ها به تدریج از گروه‌های عملیاتی به نهادهای دولتی منتقل و تهیه گزارشی کامل از نقاط قوت و ضعف عملکرد توسط ستاد عملیات که منجر به کاهش زمان مهار بحران، کاهش هزینه‌ها و جلوگیری از اتخاذ رویکردهای امنیتی است.

۴. روش‌شناسی پژوهش

با توجه به این‌که هدف پژوهش حاضر تبیین نقش بسیج منابع در مدیریت بحران‌های اجتماعی برای جلوگیری از گسترش و امنیتی شدن است پس از نوع پژوهش‌های کاربردی است که با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد کیفی تدوین شده است. روش گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای، شامل مطالعه کتاب‌های علمی و تخصصی و مقالات مرتبط با موضوع و بررسی آرشیو اسناد و مدارک موجود در دستگاه‌های مختلف، بهره‌برداری از صوت و تصویر و مراجعه به فضای مجازی و به روش میدانی نیز شامل مصاحبه با صاحب‌نظران بوده که پس از تکمیل اطلاعات، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. جامعه آماری نیز در این تحقیق ۱۰ نفر از خبرگان که دارای پژوهش مرتبط با موضوع تحقیق بوده و به صورت هدفمند انتخاب گردیده‌اند. برای افزایش روایی سعی شده از خبرگانی استفاده شود که در حوزه پژوهش صاحب‌نظر و از انگیزه و تمایل کافی برخوردار باشند و این مصاحبه تا زمانی انجام شده که محقق با داده‌هایی مواجه گردیده که تکراری بوده و نظرات مشابه دریافت می‌شد به عبارتی تا بدان مرحله مصاحبه انجام شده که اشباع نظری صورت گرفته است. برای پایایی تحقیق هم با افزایش تعداد مصاحبه‌شوندگان به ۱۰ نفر پایایی مصاحبه احصا شده است.

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که بحران‌های اجتماعی دارای ویژگی‌های خاصی هستند که مدیریت آن‌ها را پیچیده‌تر می‌کند و ضرورت بسیج همه‌جانبه منابع را دوچندان می‌سازد. یافته‌های کلیدی تحقیق عبارت‌اند از:

۱. پیچیدگی و ابهام اطلاعاتی (عدم قطعیت): اغلب بحران‌های اجتماعی با موجی از اطلاعات ناقص، شایعات و اخبار ضدونقیض همراه هستند. این ابهام، به دلیل عدم دسترسی سریع و شفاف به اطلاعات موثق و یکپارچه از سوی مراجع رسمی، تشدید می‌شود؛

۲. ظرفیت بالای گسترش و سرایت: بحران‌ها، با توجه به گستردگی شبکه‌های اجتماعی و نیز وجود آسیب‌پذیری‌های اجتماعی و اقتصادی زمینه‌ای، پتانسیل بالایی برای گسترش سریع از یک منطقه به مناطق دیگر یا از یک بُعد (مثلاً زیست‌محیطی) به ابعاد اجتماعی و امنیتی دارند؛

۳. پتانسیل امنیتی شدن: در صورت عدم مدیریت صحیح و به موقع، بحران‌های اجتماعی می‌توانند به سرعت به ناآرامی‌های مدنی یا چالش‌های امنیتی تبدیل شوند. این امر به ویژه زمانی رخ می‌دهد که نارضایتی‌های انباشته‌شده، ضعف اعتماد عمومی یا نقص در فرایندهای امداد رسانی وجود داشته باشد؛

۴. آموزش و ظرفیت‌سازی مردمی: بسیج (از طریق پایگاه‌ها و گروه‌های جهادی) و هلال‌احمر (از طریق خانه‌های هلال و آموزش‌های امداد)، نقش کلیدی در آموزش جامعه برای مقابله با بحران‌ها ایفا می‌کنند؛

۵. شناسایی و سامان‌دهی منابع بالقوه: تلاش‌ها برای شناسایی و سازمان‌دهی نیروهای داوطلب متخصص (پزشکان، مهندسان) و همچنین منابع لجستیکی (ماشین‌آلات، انبارهای اضطراری) باید همواره برای مقابله با بحران غیرقابل پیش‌بینی صورت پذیرد؛

۶. سرعت عمل در لحظات اولیه: یافته‌ها به وضوح نشان می‌دهند که بسیج مردمی و نیروهای محلی، به دلیل حضور و شناخت از منطقه، اغلب اولین واکنش‌دهندگان به



بحران هستند. این سرعت عمل در ساعات طلایی پس از حادثه، در کاهش تلفات جانی بسیار حیاتی است؛

۷. تأمین نیازهای اضطراری و اسکان موقت: بسیج منابع مالی (کمک‌های مردمی)، لجستیکی (توزیع اقلام) و انسانی (برپایی اردوگاه‌ها)، نقش مهمی در تأمین نیازهای اولیه آسیب‌دیدگان و جلوگیری از تشدید بحران‌های انسانی ایفا می‌کند؛

۸. حفظ نظم محلی: در غیاب یا ضعف اولیه نیروهای رسمی، بسیج مردمی و گروه‌های محلی می‌توانند در حفظ نظم و امنیت مناطق آسیب‌دیده نقش موقتی ایفا کنند و از هرج و مرج اولیه جلوگیری نمایند؛

۹. مشارکت در بازسازی فیزیکی: گروه‌های جهادی و مردمی در کنار نهادهای دولتی، در بازسازی خانه‌ها، مدارس و زیرساخت‌های کوچک در مناطق بحران‌زده (مانند مناطق سیل‌زده و زلزله‌زده) نقش فعال دارند؛

۱۰. تأثیر سرمایه اجتماعی (اعتماد و مشارکت) بر مهار بحران و کاهش نارضایتی و بی‌نظمی: یافته‌ها تأیید می‌کنند که در مناطقی با سطح بالای سرمایه اجتماعی (اعتماد بین مردم و به نهادهای مشارکت فعال) میزان نارضایتی‌های اجتماعی و پتانسیل بروز ناآرامی‌ها در زمان بحران به شدت کاهش می‌یابد. این امر مستقیماً به جلوگیری از گسترش بحران به ابعاد اجتماعی و امنیتی کمک می‌کند؛

۱۱. خودسازمان‌دهی مؤثر: سرمایه اجتماعی بالا به خودسازمان‌دهی جامعه منجر می‌شود؛ به‌طوری‌که مردم محلی قبل از رسیدن کمک‌های رسمی، خود به امدادسانی اولیه می‌پردازند. این خودسازمان‌دهی اولیه، نه تنها از گسترش آسیب‌ها جلوگیری می‌کند، بلکه بار از دوش نهادهای امنیتی برمی‌دارد و نیاز به رویکردهای امنیتی را کاهش می‌دهد؛

۱۲. واکنش منسجم و سریع: بهبود هماهنگی بین نهادهای مختلف (نظامی، دولتی، امدادی و مردمی) از طریق شبکه‌های ارتباطی و فرماندهی یکپارچه، منجر به واکنش سریع‌تر

- و منسجم‌تر در زمان بحران می‌شود. این سرعت و انسجام، عامل کلیدی در مهار بحران و جلوگیری از گسترش جغرافیایی و پیامدهای اجتماعی آن است؛
۱۳. شفافیت اطلاعاتی و جلوگیری از شایعه‌پراکنی: ایجاد شبکه‌های اطلاعاتی یکپارچه و اطلاع‌رسانی شفاف و به‌موقع از سوی مراجع رسمی به کاهش شایعات و اطلاعات غلط که می‌توانند منجر به اضطراب عمومی و بی‌نظمی شوند کمک می‌کند. این امر، پتانسیل امنیتی شدن فضا را به‌شدت کاهش می‌دهد؛
۱۴. تخصیص بهینه منابع: شبکه‌های هماهنگی کارآمد، امکان تخصیص بهینه و هدفمند منابع (لجستیکی، انسانی، مالی) را فراهم می‌آورند. این امر نه تنها اثربخشی عملیات را بالا می‌برد، بلکه از هدر رفت منابع و بروز نارضایتی‌های ناشی از سوء توزیع جلوگیری می‌کند که می‌تواند از عوامل گسترش و امنیتی شدن بحران باشد؛
۱۵. سرمایه اجتماعی، شاه‌کلید موفقیت است. بسیج منابع زمانی در جلوگیری از امنیتی شدن موفق است که از اعتماد عمومی و شبکه‌های اجتماعی ریشه‌دار به‌عنوان اهرم اصلی استفاده کند؛
۱۶. امنیت‌زدایی از بحران، یک فرایند چندمرحله‌ای شامل خلق فضای اعتماد، ارائه راه‌حل اجتماعی و مشروعیت‌بخشی به اقدامات است که بسیج منابع در هر سه مرحله نقش محوری دارد.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

با توجه به تجزیه و تحلیل‌های انجام‌شده و یافته‌های حاصل از بررسی ادبیات تحقیق و مدل مفهومی، می‌توان نتیجه گرفت که بحران‌ها فراتر از ابعاد فیزیکی، دارای ابعاد اجتماعی، روانی و سیاسی عمیقی هستند. آن‌ها پتانسیل بالایی برای گسترش سریع و تبدیل شدن به چالش‌های امنیتی دارند. بسیج منابع ملی (شامل انسانی، مادی، مالی، اطلاعاتی و سازمانی) به‌همراه سطح بالای سرمایه اجتماعی (اعتماد عمومی، هم‌بستگی و مشارکت) در جامعه و هماهنگی مؤثر بین نهادهای مختلف (دولتی، نظامی، مدنی و مردمی) از طریق شبکه‌های پویا و نیز مدیریت



شفاف و به‌موقع اطلاعات نقش اساسی در مهار بحران، جلوگیری از سرایت آن و کاهش پتانسیل امنیتی شدن فضا و همچنین عوامل بازدارنده قوی در برابر گسترش نارضایتی‌ها و تبدیل بحران به ناآرامی‌های امنیتی دارند. این امر از طریق واکنش منسجم‌تر، سرعت عمل نیروهای مردمی، توانمندی آن‌ها در تأمین نیازهای اولیه و مشارکت در بازسازی، تخصیص بهینه منابع و کاهش شایعات میسر می‌شود. زمانی که بسیج منابع به شکلی یکپارچه و اجتماع‌محور عمل می‌کند، جامعه قادر به کنترل بحران از درون می‌شود و نیاز به دخالت گسترده و قهرآمیز نیروهای امنیتی کاهش می‌یابد. این امر، نه تنها به حفظ نظم اجتماعی کمک می‌کند، بلکه از پیامدهای منفی امنیتی شدن بیش از حد فضا (مانند کاهش اعتماد، سرکوب مشارکت مردمی و افزایش نارضایتی‌های پنهان) جلوگیری می‌نماید.

درمجموع مدیریت بحران‌های اجتماعی، تنها با رویکرد اجتماع‌محور و با تکیه بر بسیج هوشمندانه و هم‌افزایی تمامی منابع ملی، به‌ویژه با تقویت سرمایه اجتماعی و ایجاد شبکه‌های هماهنگی قوی در سه فاز کلیدی مدیریت بحران (شامل آمادگی و پیشگیری پیش از بحران، واکنش سریع در حین بحران و بازسازی و بازیابی در فاز پسا بحران)، می‌تواند از گسترش و امنیتی شدن این بحران‌ها جلوگیری کرده و به تاب‌آوری پایدار جامعه منجر شود. به عبارتی بسیج منابع با تبدیل تهدید به فرصت از طریق سرمایه اعتماد برای مشارکت مردمی، تاب‌آوری ملی را افزایش داده و از غلبه گفتمان امنیتی بر فضای بحران جلوگیری می‌کند.

۶-۱. پیشنهاد‌های پژوهش

با توجه به نتایج و برای ارتقای نقش بسیج منابع ملی در مدیریت بحران‌های اجتماعی و جلوگیری از گسترش و امنیتی شدن آن‌ها، پیشنهاد‌های زیر ارائه می‌شود:

❖ شورای امنیت کشور

تعیین خط‌مشی کلی و تدوین سند راهبرد ملی مدیریت بحران‌های اجتماعی با رویکرد امنیت‌زدایی: این سند باید به‌طور شفاف بحران اجتماعی را از تهدید امنیتی تفکیک، سازوکار

فعال‌سازی بسیج منابع ملی را مشخص و چهارچوب همکاری کلیه نهادهای ذی‌ربط را تعریف کند.

❖ ستاد کل نیروهای مسلح

۱. ایجاد سامانه فرماندهی یکپارچه اطلاعاتی: پیوند سامانه‌های پایش ستاد کل با شبکه‌های مردمی بسیج برای دریافت اطلاعات میدانی و دقیق از کانون‌های بحران؛
۲. راه‌اندازی مانورهای مشترک سالانه: برگزاری دوره‌ای تمرین‌های مشترک بین فرماندهان نظامی و فرماندهان بسیج برای بهبود هماهنگی، تقسیم وظایف و درک متقابل در سناریوهای بحرانی؛
۳. تهیه دستورالعمل مشترک تعامل نیروی انتظامی با سازمان بسیج: تعریف دقیق مرزهای مسئولیت و همکاری و جلوگیری از موازی‌کاری در بحران‌ها به گونه‌ای که بسیج در نقش میانجی و امدادگر اجتماعی و نیروی انتظامی در نقش تأمین‌کننده امنیت فیزیکی عمل کنند؛
۴. تدوین دکترین مشترک عملیات روانی-امنیتی: یک سند راهنما که نحوه همکاری واحدهای جنگ روانی ستاد کل با مرکز ملی مدیریت اطلاعات بحران و سازمان صداوسیما را مشخص نماید. این دکترین باید بر شفاف‌سازی، مقابله با شایعات دشمن و آرامش‌بخشی تأکید داشته باشد، نه پخش اخبار کذب.

❖ فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

۱. ایجاد یگان ویژه مداخله اجتماعی و گفت‌وگو: این یگان متشکل از افسرانی با مهارت‌های ارتباطی، روان‌شناسی اجتماعی، مذاکره و آشنایی با فرهنگ و آداب محلی برای مأموریت ایجاد آرامش از طریق گفت‌وگو، شنیدن شکایات مردم و میانجی‌گری بین معترضان و مقامات در لحظات اولیه بروز تنش نه مقابله فیزیکی؛
۲. اجرای طرح پلیس جامعه‌محور در بحران: استفاده از پلیس‌های محلی مورد اعتماد برای ایفای نقش کانال ارتباطی معتبر بین مردم و نهادهای حاکمیتی و اولین پاسخ‌دهنده در شرایط بحران؛



۳. توسعه دستورالعمل سلسله‌مراتب مداخله: این دستورالعمل به‌طور شفاف و دقیق مشخص می‌کند که یک مأمور در مواجهه با یک تجمع یا بحران اجتماعی، بر چه اساسی و با چه ترتیبی می‌تواند از سطوح مختلف مداخله (از اقناع و هشدار گرفته تا مقابله فیزیکی) استفاده کند. وجود چنین دستورالعملی، از تصمیم‌گیری‌های سلیقه‌ای و استفاده نامتناسب از نیرو جلوگیری کرده و مشروعیت اقدامات نیروی انتظامی را افزایش می‌دهد؛

۴. راه‌اندازی سامانه پایش و رصد اجتماعی: این سامانه با تحلیل داده‌های میدانی (گزارش‌های پلیس محله) و فضای مجازی، به پیش‌بینی کانون‌های بالقوه بحران برای اقدامات پیش‌دستانه از وقوع بحران می‌پردازد.

❖ سازمان بسیج مستضعفین

۱. تقویت و نهادینه‌سازی سرمایه اجتماعی شامل (توسعه برنامه‌های آموزشی و ترویجی مشارکت اجتماعی، حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد و گروه‌های جهادی، بازسازی و تقویت اعتماد عمومی)؛

۲. تربیت و سازمان‌دهی هدفمند نیروهای داوطلب و مردمی: شامل بانک اطلاعاتی جامع داوطلبان متخصص، افزایش دوره‌های آموزشی تخصصی و شبیه‌سازی، ایجاد مشوق‌ها و حمایت‌های قانونی تحت مدیریت بسیج استان‌ها برای بسیج سریع‌تر در بحران؛

۳. راه‌اندازی اتاق جنگ مشترک سایبری: با حضور کارشناسان سایبری ستاد کل، مدیریت بحران و بسیج برای پایش، شناسایی و خنثی‌سازی سریع کمپین‌های شایعه‌پراکنی که محرک اصلی گسترش و امنیتی شدن بحران‌های اجتماعی هستند؛

۴. ایجاد واحدهای متخصص خدمات رسان سریع: تشکیل تیم‌های ثابت و آموزش‌دیده متشکل از نیروهای داوطلب دارای مهارت‌های خاص (برق‌کاری، لوله‌کشی، روان‌شناسی اضطراری، امدادگری) در سطح استان که آماده باشند تا بلافاصله پس از دستور، برای ارائه خدمات فوری به مناطق بحران‌زده اعزام شوند.

❖ سازمان مدیریت بحران کشور (به عنوان هماهنگ کننده و پشتیبان منابع)

۱. راه اندازی مرکز ملی مدیریت اطلاعات بحران: با حضور نمایندگان تام‌الاختیار از نهادهای مردمی (بسیج)، امنیتی (نیروی انتظامی) و دولتی (وزارت کشور) برای هماهنگی فرماندهی و جلوگیری از موازی کاری؛
۲. تدوین طرح جامع هماهنگی منابع ملی برای شرایط اضطراری گسترده: نقش بانک اطلاعات منابع و پشتیبان لجستیک را برای ستاد عملیات ایفا می کند.

❖ وزارت کشور و استانداری ها

۱. طرح توانمندسازی شوراهای تأمین استان ها در مدیریت بحران های اجتماعی: استانداری ها با استفاده از ظرفیت های محلی (شوراهای شهر و روستا، ریش سفیدان، امامان جمعه) می توانند کمیته های بحران محلی را تشکیل دهند. این کمیته ها در فاز پیشگیری، به رصد مسائل اجتماعی می پردازند و در فاز حین بحران، به عنوان رابط بین مردم و نهادهای ملی عمل می کنند. این کار، مدیریت بحران را محلی و اجتماعی نگه می دارد؛
۲. راه اندازی سامانه ملی رصد و پیش آگاهی مسائل اجتماعی: این سامانه با تحلیل داده های ادغام شده از دستگاه های مختلف (قوه قضائیه، وزارت کار و ...) کانون های بالقوه نارضایتی را شناسایی و به استانداران هشدار اولیه می دهد؛
۳. طرح کانون های حل اختلال محلی: در هر محله یا شهرک، یک «کانون» متشکل از معتمدین محل، روحانی، نماینده بسیج و کلانتر پلیس محله تشکیل که وظیفه این کانون، دریافت شکایات و مشکلات مردم، پیگیری برای رفع آن از طریق دستگاه های مربوطه و میانجی گری در اختلافات محلی است.

❖ وزارت اطلاعات

۱. تمرکز بر شناسایی و مقابله با بازیگران معاند و محرک های سازمان یافته: برای جلوگیری از سوءاستفاده دشمن از فضای بحران، درحالی که نیروی انتظامی و بسیج بر مدیریت خودجوش اجتماعی متمرکز می مانند؛



۲. تدوین نقشه راهبردی نفوذ دشمن در بحران‌های اجتماعی: وزارت اطلاعات باید سناریوها و روش‌های مشخصی که دشمنان برای دزدیدن و امنیتی کردن یک بحران اجتماعی استفاده می‌کنند (مانند ایجاد خشونت در تجمعات مسالمت‌آمیز، راه‌اندازی کمپین شایعه، نفوذ در گروه‌های معترض) را شناسایی و راه‌کارهای مقابله با هر یک را به سایر نهادها ابلاغ کند.

❖ سازمان صداوسیما (به‌عنوان رسانه ملی)

تدوین طرح اقتضایی اطلاع‌رسانی در بحران‌های اجتماعی: شامل راه‌اندازی مرکز ملی اطلاع‌رسانی بحران برای هماهنگی با مرکز ملی مدیریت اطلاعات بحران، پایش فعال شبکه‌های اجتماعی و مقابله با شایعات و ایجاد شفافیت و آرام‌بخشی، توسعه سیستم‌های هشدار سریع محلی و منطقه‌ای

فهرست منابع

- احمدی، حمید (۱۳۹۸). *جامعه‌شناسی بحران*. تهران: انتشارات سمت.
- باغبانی، غلامرضا (۱۳۹۹). *تبیین الگوی مدیریت بحران اجتماعی با رویکرد امنیتی*. فصلنامه ژئوپلیتیک. سال ۱۶، شماره ۵۸.
- پورشاسب، عبدالعلی (۱۴۰۰). *جزوه آموزشی بسیج ملی*، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- حسینی، محمد (۱۳۹۷). *نقش نیروی مقاومت بسیج در مراحل مختلف مدیریت بحران‌های طبیعی و اجتماعی*. فصلنامه مدیریت بحران، سال دهم، شماره ۳۶.
- رفیعی راد، جواد (۱۳۹۹). *تأثیر بسیج ظرفیت‌ها و منابع ملی در جنگ‌های آینده*. مجله سیاست دفاعی، سال ۲۸، شماره ۱۱۲.
- رفیعی، حسن (۱۳۹۴). *روان‌شناسی بحران*. تهران: انتشارات علوم و فنون معین.
- فینی زاده بیدگلی، جعفر (۱۳۹۵). *بررسی ویژگی‌های امنیتی شدن یک پدیده در جمهوری اسلامی ایران*. نشریه پژوهش‌های حفاظتی-امنیتی. دوره ۵، شماره ۱۷.
- کنعانی، اکبر (۱۳۹۴). *نقش مرکز فرماندهی و کنترل در مدیریت بحران‌های اجتماعی*، نشریه پژوهش‌های مدیریت انتظامی، دوره ۱۳، شماره ۴.
- محمدی نیا، رضا (۱۳۹۶). *نقش بسیج منابع ملی در جنگ‌های آینده*. فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک. سال ۱۵، شماره ۶۹.
- نظامی پور، قدیر (۱۳۹۶). *جزوه آموزشی بسیج منابع ملی*، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- نوذری، فضل اله (۱۴۰۰). *جزوه آموزشی بسیج ملی*، دانشگاه عالی دفاع ملی.



References

- Coleman, J. S. (1988). Social Capital in the Creation of Human Capital. *American Journal of Sociology*, 94(Supplement), S95-S120
- Kapucu, N. (2006). Interorganizational Coordination in Dynamic Contexts: Networks in Emergency Response. *Public Administration Review*, 66(1), 207-219.
- McCarthy, J. D. (1973). Social Conflict and Social Movements. *American Journal of Sociology*, 82 (6), 1212- 1241
- Smith, J. (2019). *Modern Military Operations and Technology*. New York: Defense Publishing.